

اکنون زمان پیوستن آمریکا به دیوان کیفری بین المللی است

برگی دیگر از استانداردهای دوگانه آمریکا

سجاد عزازاده
منجم

کلبوگایل رویباگیو، استاندار دیولت در کالج ویلیام اندی ویرجینیا ایالات متحده و مسئول آزمایشگاه بین‌المللی عدالت در مقاله‌ای با عنوان «اکنون زمان پیوستن آمریکا به دیوان کیفری بین‌المللی است» که در وب‌سایت فارن افرز منتشر شده است، به بررسی سیر عملکرد ایالات متحده درباره دیوان کیفری بین‌المللی پرداخته است؛ عملکردی که مشخوحن استانداردهای دوگانه بوده و نشان می‌دهد که آمریکا، خود و تعدادی از متحدانش مانند رژیم صهیونیستی را استثنایی می‌داند که از مصونیت در برابر مجاری حقوقی بین‌المللی برخوردار هستند.

جو بایدن در جولای امسال به دولت خود دستور داد که به اشتراک‌گذاری اطلاعات موجود درباره جنایات ارتکابی روسیه در اوکراین با دادگاه کیفری بین‌المللی دست بزند. این تصمیم شگفت‌انگیز بود؛ زیرا آمریکا عضو دیوان کیفری بین‌المللی نیست. به‌علاوه پنتاگون در برابر این پیشنهاد از خود مقاومت نشان داد؛ زیرا نگران قدم گذاشتن در سراسییبی لغزنده‌ای بود که روزی می‌تواند منجر به پیگرد قانونی کارکنان نظامی و اطلاعاتی ایالات متحده شود. اما اکنون به نظر می‌رسد هم کاخ سفید و هم کنگره نگرانی‌های پنتاگون را کنار گذاشته‌اند. کنگره در ماه آگوست و البته با حمایت بایدن لایحه‌ای را به تصویب رساند که به دولت اجازه می‌دهد اطلاعات آمریکا درباره جنگ اوکراین را با دادستان‌های دیوان کیفری بین‌المللی به اشتراک بگذارد. از یک جهت، این اتفاق تحولی مثبت برای دادگاه کیفری بین‌المللی به شمار می‌رود؛ دادگاهی که در این زمینه به همه کمک‌های ممکن نیاز دارد. در ماه مارس، این دادگاه حکم بازداشت ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه را صادر کرد. اگرچه مسیر دادگاهی کردن او پر از موانع و سنگلاخ است.

به‌علاوه، تحکرات واشنگتن، با مطرح کردن استانداردهای حقوقی مختلف، می‌تواند سبب تاخیر در فرآیند دادگاه شود.

موضع رسمی واشنگتن از دهه‌ها قبل، این بوده است که دیوان کیفری بین‌المللی از صلاحیت قضایی بر اتباع کشورهای غیر عضو مانند اسرائیل، روسیه و خود ایالات متحده برخوردار نیست. البته دیوان کیفری بین‌المللی تلاش کرده است با اقدامات ایالات متحده در افغانستان، یکی از کشورهای عضو این دیوان را بررسی کند، اما واشنگتن همواره براساس اصول خود، در برابر چنین نظراتی مقاومت کرده است.
باین‌وجود، اگر آمریکا به دیوان کیفری بین‌المللی کمک کند تا در پرونده‌های مطرح علیه اقدامات روسیه در اوکراین -کشوری که به‌طور رسمی صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی کیفری را پذیرفته است- به مدارک لازم دست یابد، مشخص خواهد شد که اصل ملزوم در این مورد صادق نیست.

چنین ریاکاری آشکاری مشروعیت و کارآمدی دادگاهی را تضعیف می‌کند که در حال تلاش برای اثبات این نکته به جهان است که از قابلیت اجرای منصفانه عدالت و نیل به نتایج واقعی برخوردار است. دادگاه بین‌المللی کیفری برای جمع‌آوری شواهد درباره سوءاقدامات انجام شده در اوکراین به کمک نیاز دارد؛ اما حقیقت غم‌انگیز این است که تا زمانی که ایالات متحده خارج از دیوان کیفری بین‌المللی باقی بماند، کمک ارانه شده از سوی آن به دیوان بین‌المللی کیفری که به شدت هم به مورد نیاز است، می‌تواند به شهرت دادگاه و اهداف بزرگ‌تر آن صدمه وارد سازد.

حتی‌اگر بایدن و کنگره بهترین نیت‌ها را نیز در این کار داشته باشند، واضح‌ترین استدلال‌هایی را که ایالات متحده تا‌به‌حال برای نپیوستن به

دادگاه کیفری و ادعای عدم صلاحیت این نهاد برای تعقیب نیروهای آمریکایی است، از بین برده‌اند. البته شاید تعجب‌آور باشد که اکثر آمریکایی‌ها در واقع از پیوستن ایالات متحده به دادگاه کیفری بین‌المللی حمایت می‌کنند. جنگ روسیه در اوکراین تناقضات موجود در سیاست ایالات متحده را آشکارتر کرده و زمان آن فرارسیده است که ایالات متحده درزنهايت به این دادگاه بپیوندد.

هم خدا و هم خرما

در سال ۱۹۹۸، ۲۱۰کشور با تصویب اساسنامه رم، دست به تصویب دیوان کیفری بین‌المللی زدند؛ نهادهی چندملیتی که وظیفه تحقیق و تعقیب افراد متهم به جنایات -مشخصا جنایات جنگی، جنایات علیه بشریت و نسل‌کشی- را دارد. ایالات متحده به تدوین پیش‌نویس این معاهده کمک کرد و بیل کلینتون، رئیس‌جمهور وقت آمریکا، آن در سال ۲۰۰۰ امضا کرد؛ اما واشنگتن هرگز به عضویت کامل این نهاد درنمی‌آمد؛ زیرا سنا اساسنامه رم را تصویب نکرد؛ البته بیشتر افراد نیز انتظار تصویب آن را نداشتند. کلینتون با امضای اساسنامه رم بدون اینکه احتمال تصویب آن توسط کنگره وجود داشته باشد، ظاهرا می‌خواست که ایالات متحده هم خدا و هم خرما را داشته باشد؛ زیرا واشنگتن به عنوان یکی از امضاکنندگان، می‌توانست همچنان بر مذاکرات آینده درباره صلاحیت این نهاد نقش آفرینی نماید. جان‌شینان کلینتون - جورج دبلیو بوش، باراک اوباما و دونالد ترامپ - هم بعدها از هر فرصتی برای محافظت از ارتش و متخصصان اطلاعاتی ایالات متحده در برابر نظرات دیوان کیفری بین‌المللی استفاده کردند؛ به ویژه در جنایاتی که ادعا می‌شود در سرزمین‌هایی که دیوان کیفری بین‌المللی بر آنها صلاحیت دارد، انجام شده است.

در سال ۲۰۰۲، جورج بوش امضای آمریکا براساسنامه رم را پس گرفت و به جامعه بین‌المللی گفت که دیوان کیفری بین‌المللی از صلاحیت قضایی بر ایالات متحده برخوردار نیست. پس از آغاز جنگ علیه تروریسم* هم او نگران بود که متحدان آمریکا کارکنان نظامی این کشور را به دیوان کیفری بین‌المللی تحویل دهند و به همین جهت بسیاری از پیشنهاد‌های مربوط به مساعدات دولتی را مشروط به «توافقنامه‌های مصونیت دوجانبه» کرد؛ توافقنامه‌هایی که کارکنان نظامی و اطلاعاتی ایالات متحده را از دستگیری و انتقال احتمالی به دادگاه بین‌المللی کیفری محافظت می‌کرد. البته این امر باعث نشد که دیوان کیفری بین‌المللی در سال ۲۰۰۶ تحقیقات مقدماتی خود را در مورد جنایات جنگی و جنایت علیه بشریت در افغانستان، آغاز کند؛ آن هم درحالی که افغانستان یکی از اعضای دادگاه بین‌المللی کیفری است و صلاحیت دادگاه بیشتر به محل وقوع تخلفات ادعایی بستگی دارد تا اینکه چه کسی مرتکب آنها شده است.

تظاهر به حرکت به‌سوی عدالت

اوباما کسی در رابره‌برد بوش تغییراتی را اعمال کرد و دست به پشتیبانی ددپلماتیک و لجنسپیک از بعضی از تحقیقات دیوان کیفری بین‌المللی زد؛ اما او همچنان مجوز تحقیقات دیوان کیفری بین‌المللی درباره اعضای ارتش ایالات متحده را رد می‌کرد. البته ازآنجا که کلینتون اساسنامه رم را امضا کرده بود، دولت اوباما در اجلاس بانگزرگ دیوان در سال ۲۰۱۰ برای بررسی اصلاحات احتمالی در معاهده شرکت کرد. در این کنفرانس چهارمین جنایت بین‌المللی هم به جمع جرائمی که دیوان کیفری بین‌المللی می‌تواند

تعقیب کند، اضافه شد؛ تجاوز، یا استفاده از نیروی مسلح توسط یک کشور علیه حاکمیت، تمامیت یا استقلال یک کشور دیگر. اصل عدم تجاوز، اساس نظم بین‌المللی مبتنی بر قوانین است. بااین‌حال اصل مذکور بارها و بارها مخصوصا از سمت کشورهای قدرتمندی مانند ایالات متحده، روسیه و چین به چالش کشیده شده است. در کنفرانس سال ۲۰۱۰، هیات ایالات متحده با موفقیت برای تصویب یک اصل تمایزی مهم دست به لابی‌زدی؛ دیوان کیفری بین‌المللی در تعقیب موارد تجاوز بر اتباع کشورهای غیرعضو صلاحیت قضایی ندارد. این پیروزی ظاهری برای ایالات متحده یک باخت برای دیوان کیفری بین‌المللی به‌شمار می‌رفت. هنگامی‌که ترامپ در سال ۲۰۱۷ به قدرت رسید برای محافظت از اتباع ایالات متحده و همچنین اسرائیل متحد اصلی خود، اقدامات شدیدتری را انجام داد، پس از اینکه دیوان کیفری بین‌المللی بازرسی‌های اولیه خود را درباره جنایات ادعایی در افغانستان و سرزمین‌های فلسطینی گسترش داد، ترامپ در سال ۲۰۲۰ تحریم‌های اقتصادی را علیه فائو بنسودا، دادستان ارشد این نهاد و معاون او، فاکیسو موجوچوکو اعمال کرد. ترامپ همچنین تهدید کرد که با هر فرد یا سازمانی که به دیوان کیفری بین‌المللی در این تحقیقات کمک کرده است هم به‌طور مشابه اقدام خواهد کرد.

خطر مضاعف

بایدن در مواجهه با فشار بین‌المللی، در آوریل ۲۰۲۱، تحریم‌های اعمال شده از سوی ترامپ را لغو کرد اما آنتونی بلینکن، وزیر امور خارجه آمریکا بار دیگر تأکید کرد دیوان کیفری بین‌المللی صلاحیتی بر نیروهای آمریکایی با اسرائیلی ندارد که در هر نقطه‌ای عمل می‌کنند. کریم خان، دادستان ارشد دیوان هم در اقدامی - که شاید برای جلب لطف و کمک ایالات متحده در امور مربوط به دیوان انجام شده بود- در سپتامبر ۲۰۲۱ اعلام کرد تحقیقات درباره مورد کارکنان آمریکایی در افغانستان را از اولویت خارج می‌کند.

بااین‌حال اکنون کاخ سفید و کنگره با حمایت از تحقیقات دیوان کیفری بین‌المللی درباره اقدامات روسیه در اوکراین، رازی را از پرده برون انداخته‌اند؛ اینکه ایالات متحده معتقد است دیوان کیفری بین‌المللی درباره اقداماتی که توسط کشورهای غیرعضو این نهاد انجام می‌شود، از صلاحیت برخوردار است و فقط این صلاحیت را درباره آمریکا و بعضی از متحدان آن، مانند اسرائیل، ندارد. اگر واشنگتن با روسیه برخوردی مطابق با استانداردهای خود داشت، باید اد‌عای دیوان کیفری بین‌المللی درباره برخورداری از صلاحیت قضایی بر اقدامات روس‌ها در اوکراین را رد می‌کرد و در نتیجه ارتش روسیه در زمینه جنایات جدی خود از مصونیت برخوردار می‌شد اما آمریکا با رقیب خود به عنوان یک شریکنا برخورد کرده است. این اتفاق یک مشکل بزرگ است، زیرا استاندارد دوگانه ایالات متحده را آشکار می‌کند.

چنین استانداردهای دوگانه‌ای اصل حاکمیت بین‌المللی قانون و به ویژه دیوان کیفری بین‌المللی را تضعیف می‌کند. آن هم درحالی‌که این نهاد از زمان آغاز به کار با اتهامات شدید مبتنی بر عملکرد سوسیگراینه روبه‌رو بوده است. اولین مجموعه اتهامات دیوان کیفری بین‌المللی علیه پوتین - که احتمالاً آخرین آنها نیست - مربوط به انتقال غیرقانونی صدها کودک اوکراینی از اوکراین به روسیه است. پوتین که درکنار یکی دیگر از مقامات روسی دخیل در این انتقال، مارا یولوا- بلوا، منمهم شده، چهارمین رئیس دولتی است که دیوان کیفری بین‌المللی به‌طور رسمی از جنایات شدید متهم کرده است. پوتین آشکارا نگران است؛ دولت او تعدادی از مقامات دیوان کیفری

دوگانه آمریکا

بین‌الملل، ازجمله دادستان آن کریم خان را در فهرست افراد تحت تعقیب خود قرار داده و در آگوست گذشته مجبور شد با سیریل رامافوسا، رئیس‌جمهور آفریقای جنوبی به توافق برسد تا در نشست کشورهای بریکس در آفریقای جنوبی شرکت نکند. زیرا این کشور یکی از اعضای دادگاه بین‌المللی کیفری است و اگر پوتین به آنجا سفر می‌کرد، رامافوسا موظف بود او را به دادگاه تحویل دهد.

بااین‌حال بوق‌های تبلیغاتی روسیه با سر دست گرفتن استانداردهای دوگانه ایالات متحده کارایی دادگاه را تنزل داده‌اند. آنها معتقدند در پشت لفاظی‌های اصولی غرب، یک آرزوی صرفا خود خواهانه برای محافظت از منافع خود و آسیب رساندن به منافع دشمنان نهفته است. این استدلال می‌گوید غرب بهتر از روسیه نیست و باید به هر قیمتی در برابر آن مقاومت کرد.

به این گروه بپیوندد

در هفته‌ها و ماه‌های آینده، دیوان کیفری بین‌المللی ممکن است اتهامات بیشتری را علیه پوتین، سربرازن روسی و عوامل اطلاعاتی این کشور مطرح کند. به اشتراک‌گذاری اطلاعات بین واشنگتن و لاهه شانس موفقیت‌آمیز بودن محاکمات را افزایش خواهد داد؛ مخصوصا با توجه به اینکه سازمان‌های اطلاعاتی ایالات متحده، علاوه بر شواهد مربوط به اخراج و انتقال کودکان، شواهدی از برنامه‌های روسیه برای هدف قرار دادن زیرساخت‌های غیرنظامی را هم جمع‌آوری کرده‌اند.

همه آنچه گفته شد اصلا به این معنی نیست که ایالات متحده نمی‌تواند بدون پیوستن رسمی به دیوان کیفری بین‌المللی، به این نهاد کمک کند. قطعا آمریکا می‌تواند اما ترس دیرینه از اینکه پیوستن به دیوان کیفری بین‌المللی، شهروندان ایالات متحده را در معرض تعقیب غیرمنصفانه قرار خواهد داد، احتمالاً یک شیادی دروغین است؛ طبق قانون «تکمیلی» این دادگاه، اگر کشوری تحقیقاتی واقعی درباره کارکنان خود انجام دهد و درصورت اقتضا، متخلفان را تحت تعقیب قرار دهد، دیوان کیفری بین‌المللی که آخرین ملجأ به‌شمار می‌رود بر شهروندان کشور مذکور صلاحیت قضایی نخواهد داشت.

دیوان کیفری بین‌المللی در گذشته از این اصل پیروی کرده است، کما اینکه در سال ۲۰۲۱ در کلمبیا دست به این کار زد.

آمریکا به‌عنوان یک عضو دیوان کیفری بین‌المللی فارغ از مساله اوکراین بهتر می‌تواند ارزش‌های دموکراتیک مانند مسئولیت‌پذیری و حقوق بشر را ترویج کند اما مساله این است که ایالات متحده تنها در صورتی تمایل به عضویت در نهادهای بین‌المللی دارد که فقط در جایگاه راننده باشد ولی این تمایل درمورد دیوان کیفری بین‌المللی با دیوار محدودیت‌ها روبه‌رو شده است. اصل، «قانون برای تو و نه برای من» که ایالات متحده مایل است درباره روسیه آن را اعمال کند، به‌سادگی - ازنظر قانونی، سیاسی یا اخلاقی- قابل دفاع نیست. پوتین ممکن است هرگز از دادگاه سر دریاورد. برای انجام محاکمه، او باید دستگیر و به لاهه منتقل شود. باوجود این، اتهامات مطرح‌شده علیه پوتین ارزش نمادین مهمی دارد، حتی اگر او هرگز دستگیر نشود، به‌عنوان یک فراری از قانون زندگی خواهد کرد و در صحنه جهانی منزوی خواهد شد. جامعه بین‌المللی با پاسخ به رفتار غیرقانونی پوتین در قالب یک روند قانونی، تلاش می‌کند تا تعهد خود را به حاکمیت قانون مجدداً تجدید کند و خود را از پوتین که آشکارا آن را تحقیر می‌کند، جدا سازد. بااین‌حال برای انجام موفقیت‌آمیز این فرآیند، ایالات متحده ابتدا متهم‌دوگانه‌ای که در جهان اعمال می‌کند باید برای خود این کشور نیز اعمال شود.

فرهنگ‌نخبگان

جهان‌شهر



پنجشنبه ۴ آبان ۱۴۰۲



شماره ۳۹۹۱



WWW.FDN.IR



FARHIKHTEGANDAILY

مطلوبیت تصویر نتانیاھو مدت‌ها متکی بر افزایش امنیت و بهبود وضعیت اقتصادی صهیونیست‌ها بوده

اما نظرسنجی‌های انجام‌شده نشان می‌دهد او اکنون وضعیت مطلوبی ندارد

نتانیاھو فقط اعتبار خود در عرصه امنیتی را از دست نداده است

دیویدابی‌روزیترنگ، دبیر اقتصادی روزنامه صهیونیستی هآرتص، در مقاله‌ای باعنوان «نتانیاھو فقط اعتبار خود در عرصه امنیتی را از دست نداده است» که دروب سایت آمریکایی فارن پالیسی منتشر شده است، به بررسی پیامدهای حمله ۷ اکتبر حماس برای دولت نتانیاھو پرداخته و این گزاره مهم را مطرح می‌کند که کنار رفتن نتانیاھو از عرصه سیاسی رژیم صهیونیستی پس از این جنگ تقریبا حتمی است. به‌علاوه، او معتقد است که اقتصاد اسرائیل توانایی ملزوم برای تداوم جنگ را ندارد و اگر رژیم صهیونیستی وارد نبرد هم‌زمان با حزب‌الله لبنان و حماس شود، بخش‌های اقتصادی آن دوران دشواری را تجربه خواهند کرد.

■ ■ ■

بنیامین نتانیاھو، نخست‌وزیر اسرائیل، مدت‌ها است که به خود به‌عنوان آقای امنیت و آقای اقتصاد می‌یالد. نتانیاھو و البته بسیاری از اسرائیلی‌ها، معتقد بودند که او به‌عنوان آقای امنیت، تنهاکسی است که می‌تواند تضمین کند که اسرائیل از نظر نظامی همچنان قوی باقی بماند و با جهان عرب نبرزیک‌آشتی تاریخی را تجربه خواهد کرد. او در قامت آقای اقتصاد هم به‌عنوان مسئولی شناخته می‌شد که درصددارزش‌یاریشدن اقتصادی پایدار و شکوفایی صنعت فناوری‌های پیشرفته همراه بوده است. بااین‌وجود، مسر سوئنی نمی‌توان تردید داشت که تصویر آقای امنیت هم جزء قربانیان کشتار ۷ اکتبر به‌شمار می‌رود؛ البته این امر درباره آقای اقتصاد هم صدق می‌کند. نکته مهم این است که خسارات هر دو حوزه امنیتی و اقتصادی، تنها به نتانیاھو محدود نخواهد بود و احتمالآبرای چندین سال، اسرائیل را هم به‌عنوان یک کشور و هم به‌عنوان یک جامعه تحت تاثیر قرار خواهد داد. اسرائیل در دوران نتانیاھو، خود به‌عنوان یک قدرت نظامی، سیاسی و فناوریانه مطرح در سطح جهان می‌دید. نگرشی که بدون دلیل و بی‌پایه هم نبود. این سه حوزه- نظامی، سیاسی و فناوری- ارتباط درهم‌تنیده‌ای با یکدیگر دارند. صنعت فناوری پیشرفته اسرائیل موتور رشد اقتصادی بود که سبب ثروتمند شدن آن شد. توانمندی‌های فنی این کشور نیز سبب شد تا چین و هند آغوش خود را برای برقراری ارتباطی قوی با نئو آویو باز کنند و به‌علاوه، نقش کلیدی در عادی‌سازی روابط اسرائیل با قدرت‌های غربی که به دنبال دسترسی به نوآوری‌های اسرائیلی بودند، داشت. فناوری همچین اسرائیل را قادر ساخت تا توانایی‌های نظامی و اطلاعاتی خود را بسیار بیشتر از آنچه که می‌توانست از طریق جمعیت یا سایر منابع رایج در این حوزه به دست آورد، تقویت کند. همچنین شایان ذکر است که بسیاری از اسرائیلی‌های مهاجر توانایی فنی خود را در واحدهای نخبه‌آرزشی کسب کرده‌اند. مرز غزه در آستانه حمله ۷ اکتبر حماس نمونه‌ای از پیوند نظامی- فناوری بود. در این منطقه مرزی، نیروهای مسلح چندیانی حاضر نبودند اما ارتش مجموعه‌ای از ابزارهای بسیار پیچیده را برای نظارت بر فعالیت‌های حماس در داخل نوار غزه

نکرده است، اما شهرت آن به‌عنوان «ملت استارت‌آپ» تقریبا به‌طور قطع رو به نزول خواهد گذاشت. این ایده که اسرائیلی‌های توانمند هر کاری انجام دهند- از ساخت شبکه دفاع‌هولایی گنبد آهنین‌یا یک سیستم دفاع موشکی مبتنی بر لیزیرهای نسل آینده تا ایفای نقشی پیشگام در برنامه‌های ناوبری با تولید گوشت آزمایشگاهی- اکنون بانگ‌رش انتقادی تری از طرف کارآفرینان، سرمایه‌گذاران و شرکای بنگاه‌های اقتصادی مواجه خواهد شد. این اتفاق در زمان نامناسبی هم رخ می‌دهد. در سطح جهانی، صنعت فناوری پیشرفته در بحبوحه رکودی گرفتار شده است که مانع از افزایش سرمایه‌استارت‌آپ‌های اسرائیلی می‌شود. رقابت برای پول در دسترس شدید است. در همین حال، فراخوان بیش از ۳۶۰۰۰۰ نیروی ذخیره، که بسیاری از آنها شاید برای مدت طولانی در خدمت باشند، سبب ایجاد اختلال در این صنعت خواهد شد؛ صنعتی که عمده کارکنان آن جوان و مود هستند. اصلاحات قضایی که دولت نتانیاھو به دنبال آن بود، از قبیل باعث شده است که بسیاری از شرکت‌های تازه‌تاسیس اسرائیلی در خارج از کشور دست به ثبت‌نام بزنند. اتفاقی که نشانگر میزان تردید اسرائیلی‌ها درباره آینده خود حتی پیش از رخدادهای ۷ اکتبر است. و حزب جنگ به سرعت پایان نیابد و اسرائیل از رویارویی دووجهه‌ای با حماس از جهش‌الله اجتناب نکند. بقیه بخش‌های اقتصادی آن نیز دوران دشواری را تجربه خواهند کرد. علاوه بر حضور تعداد زیادی از نیروی کار در قالب نظامی، اسرائیل احتمالاً دوره‌ای از حملات موشکی مکرر نیز مواجه خواهد شد. این احتمال نیز قوی است که افزایش ناآرامی‌ها در کرانه باختری، فعالیت‌های اقتصادی را مختل کند. در نتیجه، اعتماد کسب‌وکارها و مصرف‌کنندگان نیز سقوط خواهد کرد. دولت اسرائیل هم که با کسری مالی بیشتر از بودجه خود مواجه است، با هزینه‌های سنگین دفاعی مواجه خواهد شد که در غیاب تزریق گسترده کمک‌های بهره‌بر بالا پویش‌داده شده شود. نتانیاھو تا حد زیادی شایستگی بیشتر یا نرخ‌های بهره بالا پویش‌داده شده خود را در یافت مالیات‌ها بالاتر یا استقراض بیشتر یا نرخ‌های بهره بالا پویش‌داده شده خود را در یافت مالیات‌ها بالاتر یا استقراض دریافت لقب آقای اقتصاد را ندارد. اگرچه از زمانی که در دوهه قبل، مسئولیت وزارت اقتصاد را برعهده داشت، گام‌های مهمی در جهت کوچک کردن بخش دولتی برداشت اما از آن زمان تا حد زیادی سیاست‌های اقتصادی را نادیده گرفته است. اقتصاد اسرائیل بدون کمک چندانی از وزوزی دارایی ناکارآمد و ضعیف خود، رشد کرده است.

متصدی فعلی وزارت دارایی اسرائیل هم بدترین گزینه ممکن می‌باشد. بزلال اسموتویچ، رهبر حزب راست افراطی صهیونیسم مذهبی بیشتر از آنکه به سیاست‌های اقتصادی علاقه‌مند باشد، در پی متحقق شدن دو وزارت دفاع در قالب حمایت از منافع شهرک‌نشینان اسرائیلی، می‌باشد؛ ا توضیح مترجم: اسموتویچ در وزارت دفاع مسئولیت امور مربوط به شهرک‌نشینان صهیونیست در کرانه باختری را برعهده دارد. اسموتویچ سیاستمداری نیست که توانایی یافت‌کاری

۱۵